



مروری بر عملکرد سفیر فیلم به انگیزه آغاز هفته فیلم این مجموعه فرهنگی و رسانه‌ای

روایت بدون حقیقت، شارلاتانیسم است

۸

محسن گیوه‌کش، تعزیه خوان
در گفت‌وگو با «جام جم»:

تعزیه متولی ندارد!



۱۱

به انگیزه سالروز تولد مرحوم علی حاتمی

سینمایی دور از هویت ملی



۱۵



بلاگرهای حجاب
چگونه دختران را هدف قرار داده‌اند؟

حجاب استایل‌ها علیه پوشش اسلامی - ایرانی

سبک زندگی
۱۲



گفت‌وگو «جام جم» با امیرزنده دلان
بازیگر و کارگردان رادیویی

ای کاش تمام عمر کودک می‌ماندیم

سبک زندگی
۷



گفت‌وگو با پویان هدایتی
تهیه‌کننده برنامه «نشان ارادت»

ارادتی بنما تا سعادتت ببری

رسانه
۶

عمق میدان

به انگیزه انتشار سرود جدیدی از ابودر روحی

«سلام فرمانده» و آسیب‌های در کمین



برش

مختصات سرودی برای سردار دل‌ها

سرود درباره شهید سلیمانی، باید سرودی برخاسته از اعماق وجود و معرفت، نه بر حرف باشد. سرودی باشد سرشار از ایده‌های تکان دهنده و تعبیرات درخشان اما ساده و به یاد ماندنی و عمیقاً در آمیخته با فرهنگ مقاومت و اشارات ریشه‌دار و گویای جایگاه جهانی او و مجاهداتش و ندای قلوب مردم و گواه جهاد بزرگ او و همه مهم‌تر کاملاً شعر و موسیقی ساده، سلیس و دارای کاراکتر مستقل و نه تکراری و مبتکر به حساب آید. بگذریم از اشتباهات معرفتی اساسی در سرود دوم، مثل حضرت سلمان را در سایه میرزا کوچک و شهید سلیمانی قرار دادن!!! و شهید سلیمانی را تابع میرزای عزیز کردن. اینها خطای تماتیک و محتوایی بزرگی است، کلمات فراوان و اطناب و بدون شعله‌های سوزان احساس قوی و ایجاز و... باز کار را خراب‌تر و معمولی‌تر کرده، شکل تقلیدی اجرا به غیرقابل اعتنا بودن سرود تازه درباره حاج قاسم افزوده از نظر ساختار بصری و غیاب مؤلفه‌های مهم در زیر ساخت، شکست این سرود را حتمی کرده است. بی تردید حضرت سلمان و شهید سلیمانی ظرفیت ساختن سرودهای سرشار از سادگی و صمیمیت و بندار و نیز دارای خلوص و تاثیر و معرفت افزایی در سطح اجرای جهانی را دارند اما شتابزدگی، سطح نازل ارزش‌های موسیقایی و کلامی و نوعی تعصب بی‌جای بومی و دادن فضای چشمگیری به میرزا در حالی که ضرورتی نداشته، مانع در وحدت اثر شده است. البته ابودر روحی با استعانت از همین فرم نوحه/سرود و شکل نو درباره میرزا کوچک و قهرمانان و جهادگران بومی ایران گذشته و حال می‌تواند کارارانه دهد اما اینها آثاری جداگانه و دیگرند و نمی‌توان در یک سرود کانون‌های مختلف ایجاد و برگویی کرد.

سلام فرمانده را تهدید می‌کند. تکرار و تقلید و ساختن آثار مشابه متعدد که تاژی و جذابیت این سرود جهانی را مخدوش می‌کند. زلالی و تاژی‌اش را از بین می‌برد، عادی و نخ نمایش کرده و به زندگی خاطره‌انگیزش پایان می‌دهد.

«روحی» کار تازه‌ای اجرا کرده که حاوی این رهن‌های اصالت است. شبیه سلام فرمانده است بدون آن که دارای آن نیروی عظیم غیبی و دلنشینی باطنی‌اش باشد که فراتر از آگاهی ابودر روحی و سازندگان سرود، سلام فرمانده را به اوج رسانده؛ در عوض از صوری‌ترین عناصر کلیشه و سطحی‌تداعی‌گر آن سرود با دست و دلبازی فراوان بهره‌عجولانه و مقلدانه برده شده است و برعکس هیچ یک از مؤلفه‌های روان‌شناختی و

هویت بخشی فعال در اثر دوم وجود ندارد. تقلید از این مؤلفه‌ها قربانی یک بومی‌گرایی خامدستانه شده است. امام زمان یک شخصیت زنده و در اوج اعتبار است، حتی مه‌نبار دلمی، شخصیتی فراملی است. ما می‌توانیم در مقیاس بومی یا ملی درباره میرزا کوچک خان سرود بسازیم اما این چه ربطی به یمنی، عراقی، سوری، هندی، ترک و شیعیان اکناف شرق و غرب جهان و اروپا و روسیه و آمریکا و... دارد؟

یک وظیفه مهم

به هر حال کمبودهایی توانست مثل سرود سلام فرمانده با عامل نیرومند صدق و گرمای دل جبران شود اما نشد و نتیجه‌اش

دور از تعجیل و تاکید بر فیلمنامه کامل

مهم‌ترین مسأله در بحث تولیدات سریالی در تلویزیون، توجه به روند آماده شدن فیلمنامه برای تولید یک سریال خوب و استاندارد تلویزیونی است. موقعی که گروه تولید با فیلمنامه کامل کار را شروع کند، هم بازیگر می‌تواند درباره کلیت نقشش برنامه‌ریزی کند و هم گروه سازنده می‌توانند کارهای لازم را با حوصله و دقت انجام بدهند.



ماهوش قاری
بازیگر تلویزیون و سینما

در این صورت بازیگر هم می‌داند ابتدا و انتهای نقشش کجاست و با یک برنامه‌ریزی ذهنی نقش را جلو می‌برد. بنابراین وقتی فیلمنامه کامل باشد حفظ راکورد بازی هم برای بازیگران راحت‌تر صورت می‌گیرد و تکلیف روشن است.

به عنوان بازیگر در مورد سریال‌هایی که فیلمنامه‌های آماده را برای مطالعه در اختیار ما می‌گذارند بهتر می‌توان بر کلیات نقش و چند و چون کاراکتر تمرکز کرد و شرایط بهتر شدن نقش حین اجرا را فراهم کرد. چون با فیلمنامه کامل است که سریال به ضربه‌های بهتری حین تولید خواهد رسید و هرچقدر کمال فیلمنامه بیشتر باشد حین اجرا از منظر کیفی، کار قدرتمندتر خواهد شد.

ولی اگر فیلمنامه کامل نباشد یا با پنج قسمت ابتدایی بخواهند کار را اقلید بزنند و سپس به تدریج فیلمنامه را کامل کنند عمدتاً نمی‌توان انتظار آن بازدهی لازم را داشت، چون بازیگر از کلیت کاراکتر و سرنوشت داستان اطلاع ندارد و مدام باید با قدرت تخیل خود کار را پیش ببرد که این هم می‌تواند ضربه بزند به کار.

البته این اتفاق فقط در تلویزیون رخ نمی‌دهد و ما در دیگر مدیوم‌ها هم شاهد چنین اتفاقاتی هستیم. در حالی که آماده نبودن فیلمنامه مسلمان آسیب زیادی به کار می‌زند و حتی تمرکز سازندگان اثر مربوط و بازیگران هم کمتر خواهد شد.

سریال تلویزیونی باید قبل از پیش تولید، به فیلمنامه کامل برسد؛ یعنی فیلمنامه‌ای که تمام حفره‌های داستانی آن شناسایی و پر شده باشد و سیر داستانی نیز کاملاً مشخص و مدون باشد تا بازیگر بتواند به کاراکتر جان بخشی کامل دهد. در هر صورت حتی نویسنده هم می‌تواند شخصیت پردازی منسجم‌تری داشته باشد و کار با قوام بهتری صورت می‌گیرد. دور شدن از شتاب در تولیدات تلویزیونی، دیگر عاملی است که می‌تواند زمینه‌ساز تولید یک سریال خوب و ماندنی باشد. در اغلب سریال‌های ماندگار کارگردان با فیلمنامه کامل، کار را اقلید می‌زند و برای همین طبق برنامه‌ریزی و بدون تعجیل، کار را پیش می‌برد و همین امر کمک می‌کند به بالا رفتن جاذبه‌های درام.

موقعی که کار با هدف‌مندی و برنامه‌ریزی دقیق انجام شد کل گروه بدون استرس و شتاب کارشان را به درستی انجام می‌دهند و فرصت جبران خطاها خیلی بیشتر فراهم می‌شود و اگر هم حین تولید نکته‌ای به ذهن بازیگر برسد، وقت کافی برای روتوش نقش وجود دارد.

توصیه‌ام به تمامی سریال‌سازان این است که تا می‌توانند روی فیلمنامه کار کنند و وقتی فیلمنامه، قوام کامل یافت به سمت انتخاب بازیگران بروند و در دورخوانی‌های قبل از فیلمبرداری تا می‌توانند روی ریزه‌کاری‌های درام کار کنند تا سریال به بازدهی مناسب برسد. در این صورت شاهد سریال‌های با کیفیت‌تر خواهیم بود.



میراحمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

شیدین سرود تازه‌ای از ابودر روحی، انگیزه نوشتن این یادداشت است. پرسش آن است: ۱- چه آسیب‌هایی سلام فرمانده را تهدید می‌کند؟ ۲- چه کنش‌هایی باعث زایش سلام فرمانده می‌شود؟ اولین تمهیدات این یادداشت گوشزد کردن سرشت جامعه امروزی است، غلبه نظام سرمایه‌داری و موازین جامعه مدرن حتی در ایران هم هر امر معنوی را به کالا تبدیل کرده یا می‌تواند بکند. جامعه نمایش و پیژگی جامعه امروزی است. خطر کالا شدن کار معنوی، جدا شدنش از گوهر وجودی آن و فراموشی ارزش باطنی، خلوص و گرمای روحی آن است که مطلقاً با منطق بساز و بفروش و بساز و شهرت بخر و جاه‌طلبی و غرور و فریب دنیا سفارش‌های بی‌توجه به جان آفرینش نمی‌خواند. شاید کسانی که با فضای کار هنری در رشته‌های گوناگون آشنا نیستند، ندانند شکفتن و محبوبیت یک اثر در مقیاس ملی و جهانی، بار سنگینی بر دوش هنرمند می‌نهد. بسیاری پس از یک کار درخشان، دیگر موفق نمی‌شوند اثری با آن برجستگی و محبوبیت و درخشندگی بیافرینند. حاصل جدا از افسردگی هنرمند، افتادن در دامچال تکرار خود و تقلید از کار نخست برای نام و نان است که بدتر به بی‌اعتنایی عمومی و گسترش سرخوردگی هنرمند می‌انجامد. تقصیر این وضعیت در خطای هنرمند نهفته است، آنچه می‌تواند به اقبال مخاطب منجر شود، جدا از شور و گرما و عناصر غیرارادی باطنی مؤثر در ناموری اثر، خلاقیت و ابتکار و باور و معرفت و اصالت و ناآوری و شناختن یک موفقیت اثر نخست و پاسخگویی‌اش به نیاز اجتماعی ملل ملت یا ملل و گروه‌بندی جهانی و فراملی و نه تقلید و تکرار و پاسخ به سفارش و سرهم‌بندی است. اذهان هنرمندان پیشرو و موشمند و اهل دانش، این نکته‌ها را خوب می‌فهمند.

بهرمندی از الهامات الهی

هر از گاهی اثری مخلص به یمن توجه عالم غیب برای نرم کردن قلوب و تجدید عهد، گل می‌کند. همان‌گونه که شهرت آثار شیطانی از خصوصیات برخوردار و بهره‌مند از الهامات شیطانی است، آثار رحمانی حقیقی هم از الهامات الهی برخوردار است. صدق و باور و نه منطق بساز و بفروش راز موفقیت آثار نورانی است. توانایی‌های ساختاری و گوهر معرفت، نسبت به ویژگی هر اثر در پی این خلوص می‌آید. تقلید و منطق کالایی خطری برای آثار اصیل است. امروز آنچه گفته‌ام تهدید و خطری است که